



امنیت منطقه‌ای و آینده آسیای مرکزی،

رقابت ایران، ترکیه و روسیه

Hooman Peimani, *Regional Security and the future of Central Asia, the Competition of Iran Turkey and Russia*, First Published in 1998, USA.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تنها پایان یک امپراتوری و ناتوانی ایدئولوژی آن برای اجرای وعده‌های خود نبود، بلکه به دوران سیستم بین‌المللی دوقطبی - که حدود نیم قرن به‌طور انجمید - خاتمه داد. منطقه‌گرایی از دهه شصت و به‌دنبال بروز شکاف‌هایی در ساختار دوقطبی جهان، آغاز و طی سی سال گذشته به سرعت به مناطق مختلف جهان تسری یافت. زوال دوقطبی بودن نیز این روند را تشویق کرده و موانع ظهور قدرتهای منطقه‌ای را از میان برداشت.

استقلال کشورهای آسیای مرکزی این فرصت را برای آنها فراهم نمود تا با بازسازی روابط خود با کشورهای قدرتمند منطقه از میزان وابستگی خود به روسیه بکاهند. از سوی دیگر، روسیه، ایران و ترکیه می‌کوشند تا با ایجاد روابط متنوع و در سطوح مختلف با کشورهای آسیای مرکزی، به‌عنوان قدرت برتر و مسلط مطرح گردند.

فرضیه‌ای که در کتاب «امنیت منطقه‌ای و آینده آسیای مرکزی، رقابت ایران، ترکیه و روسیه» مورد بحث قرار می‌گیرد، آن است که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موقعیتی را برای ایجاد مجموعه امنیتی کشورهای آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان) فراهم می‌کند که به دور شدن از حوزه نفوذ روسیه و نزدیکی به ایران و ترکیه تمایل دارند. دلیل عمده این امر، فعالیت و رقابت این سه کشور است. ایران و ترکیه به دلایل گوناگون منافع فراوان و درازمدت در منطقه داشته و از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون درصدد یافتن زمینه‌های لازم برای کسب برتری در آسیای مرکزی هستند. بدین ترتیب در عین حال که روسیه تلاش می‌نماید تا کشورهای آسیای مرکزی را دوباره در حیطه امنیتی خود جمع کند، ایران و ترکیه خواستار ورود آنها به مجموعه امنیتی خود هستند.

تمرکز اصلی کتاب پیرامون روابط بین کشورهای آسیای مرکزی و قدرتهای اصلی منطقه (ایران، روسیه و ترکیه) است و برای روشن کردن این پیوندها، ناگزیر از تجزیه و تحلیل سایر روابط تأثیرگذار می‌باشد.



فصل دوم کتاب به بحث در خصوص استدلال‌های نظری پرداخته و تعدادی از ساختارهای ثابت مسأله امنیت منطقه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد. از میان ۵ عنصر اساسی در مجموعه امنیتی، نقش عوامل اجتماعی، اقتصادی و نظامی در آینده کشورهای آسیای مرکزی بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است.

عوامل سیاسی که مورد توجه نخبگان کشورهای مذکور در خصوص عدم ثبات ممالک آنها است، به دو دلیل از بررسی خارج شده‌اند: ۱. چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و نظامی و برخورد آنها و بستگی‌شان با عناصر سیاسی در فصل‌های مربوطه به صورت توأمان مورد بررسی قرار گرفته است؛ ۲. مدارک متقنی دال بر اینکه ایران، ترکیه و روسیه خواستار ایجاد بی‌ثباتی در کشورهای آسیای مرکزی، به منظور تحت فشار قرار دادن و سوق دادن آنها به سوی پیوندهای مستحکم‌تر با قدرتهای منطقه‌ای می‌باشند، در دست نیست. گذشته از اینکه دلیل روشنی برای اثبات ادعای ایالات متحده آمریکا مبنی بر حمایت ایران از گروه‌های ضد دولتی آسیای مرکزی وجود ندارد، این قبیل گروه‌ها به‌طور تقریبی تحت کنترل دولت‌های مرکزی قرار داشته و قادر به انجام اقدامات و فعالیتهای تأثیرگذاری نمی‌باشند.

عوامل زیست‌محیطی، که در ساختار امنیتی دارای اهمیت هستند، نیز نه به صورت بخشی مستقل بلکه در قسمتهایی از فصل ششم که به تأثیر عوامل مذکور بر وضعیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی پرداخته، مورد بحث و بررسی واقع گردیده است.

فصل سوم به بررسی زمینه‌های روند تشکیل کشورهای آسیای مرکزی و حرکت آنها به سوی ایجاد واحدهای سیاسی مستقل اختصاص یافته و در آن روابط بین ایران، ترکیه و روسیه و کشورهای آسیای مرکزی در دوران پس از فروپاشی شوروی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در فصل چهارم به نقش عوامل قومی، زبانی و مذهبی و اهمیت خاص آنها در پیوند ایران، ترکیه و روسیه به آسیای مرکزی پرداخته شده است. از نظر مؤلف، این عوامل اجتماعی علاوه بر اینکه موجب تمایل دوطرف به برقراری پیوندهای مستحکم شده است، موجبات نفوذ هرچه وسیع‌تر سه قدرت رقیب بر منطقه را نیز فراهم می‌آورد.

فصل پنجم ضمن بررسی اهمیت عوامل نظامی از نظر ایران، ترکیه و روسیه، نگرانی‌های عمده نظامی - امنیتی در کشورهای مذکور را مورد توجه قرار می‌دهد. از دیدگاه مؤلف هرچند سه کشور می‌کوشند مجموعه امنیتی - نظامی خود را فعال سازند، ولی موانع چندی این فعالیت آنها را محدود می‌سازد. ترکیه به دلایلی که بیان شده است یک بازیگر اصلی در امور مذکور نبوده و نخواهد بود. ایران

بدون شک نقش مهمی در امنیت کشورهای آسیای مرکزی ایفا می‌کند به گونه‌ای که یک ایران بی‌ثبات، آسیای مرکزی و قفقاز را هم بی‌ثبات خواهد کرد و برعکس عدم ثبات در منطقه موجب تزلزل امنیت ایران خواهد شد». اما ایران در مورد امور نظامی فاقد ابزارهای لازم تأثیرگذاری و رابطه متقابل است. بررسی شواهد نشان می‌دهد که عوامل نظامی و امنیتی راه را برای روسیه به عنوان بازیگر نقش اول در این زمینه جهت بازیابی نفوذ گذشته می‌گشاید اما به دلایل گوناگون نه روسیه و نه آسیای مرکزی هیچ‌کدام خواستار بازگشت به وضعیت دوران قبل از استقلال نیستند.

فصل ششم به نقش و اهمیت عوامل اقتصادی، فرصت‌ها و چالش‌های اقتصادی و سیستم اقتصاد داخلی کشورهای آسیای مرکزی اختصاص یافته است. تمایلات عمده در اقتصاد کشورهای مذکور و اهمیت روابط اقتصادی با سه قدرت منطقه‌ای و تأثیرات درازمدت این‌گونه روابط بین کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای غربی و غیرغربی در آینده، مورد توجه خاص واقع شده است. در این فصل، نویسنده بر این عقیده است که «موقعیت جغرافیایی ایران، آن را به یک حلقه طبیعی بین آسیای مرکزی و بازارهای بین‌المللی تبدیل کرده است و این حقیقت از خلال موافقتنامه‌های متعدد ترانزیت و حمل و نقل بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی به دست می‌آید. به‌طور کلی، روابط اقتصادی ایران و آسیای مرکزی در سطح نسبتاً مناسبی است، اما این نوع روابط بین روسیه و ترکیه و کشورهای مذکور نیز ادامه خواهد یافت، زیرا کشورهای آسیای مرکزی درصدد آن هستند که به یک شریک اقتصادی واحد تکیه نمایند. انمقاد قرارداد انرژی بین ایران و ترکمنستان، با وجود تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران نشان‌دهنده اهمیت فزاینده این کشور برای آسیای مرکزی و تأکیدی بر نیاز این کشورها به گسترش پیوندهای اقتصادی با ایران است».

در فصل هفتم، مؤلف با ترسیم مجموعه امنیتی آسیای مرکزی، به نتیجه‌گیری از مباحث فوق پرداخته و معتقد است: «مدارک حاکی از آن است که موفقیت در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی - نظامی برای کسب برتری و نفوذ در منطقه ضروری است، اما عوامل اجتماعی نیز موفقیت هر یک از این رقبا را استحکام بیشتری می‌بخشد».

وی در خصوص آینده روابط سه قدرت ترکیه، روسیه و ایران به پیش‌بینی دست‌زده و بر این عقیده است که: «ترکیه پس از یک دوره کوتاه موفقیت، نفوذ خود را در آسیای مرکزی از دست داده است. عوامل اقتصادی و امنیتی - نظامی نیز آنقدر قابل توجه نیستند که زمینه این نفوذ را فراهم آورند. ترکیه عملاً در موارد بیان شده، چیزی برای عرضه ندارد و بنابراین باید به فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی



روی آورد. در واقع این کشور در حال تبدیل شدن به یک رقیب حاشیه‌نشین است و علت این امر را نیز باید در کاهش نیازهای کشورهای آسیای مرکزی به ترکیه جستجو کرد».

«هرچند روسیه از ابزارهای تأثیرگذار اجتماعی بی‌بهره است، اما توانایی این کشور در امور اقتصادی و نظامی - امنیتی موجب پوشش دادن به ضعف فوق می‌شود. شواهد حاکی از آن است که عواملی چون منافع آسیای مرکزی و روسیه در مورد تجارت با کشورهای خارج از جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع موجب از دست رفتن نقش مهم روسیه در امور اقتصادی می‌شود. این واقعیتی است که روسیه هنوز با مشکلات جدی اقتصادی روبروست. بحران‌های سیاسی و موارد بی‌ثباتی نیز به این تزلزل می‌افزایند. بنابراین، به نظر می‌رسد برای آنکه روسیه بتواند روابط مستحکمی را در آسیای مرکزی پی‌ریزی نماید، نیازمند تلاشی همه‌جانبه برای ایجاد ثبات در داخل کشور می‌باشد».

«در صورتی که ایران سیاست کارآمد و مؤثری را در منطقه در پیش گیرد، خواهد توانست با فعال کردن مجموعه امنیتی آسیای غربی شامل ایران، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز ضمن تقویت ریشه‌های خود در این منطقه، چارچوب یک امنیت حقیقی را پی‌ریزی نماید. البته ایران نیز با موانعی روبه‌رو می‌باشد. درست است که در حال حاضر ثبات داخلی ایران از طریق جنگ‌های داخلی و یا جنبش‌های استقلال‌طلبانه تهدید نمی‌شود، اما این کشور با مشکلات اقتصادی جدی ناشی از جنگ هشت ساله با عراق دست به‌گریبان است. با وجود اعلام سیاست عدم مداخله در امور کشورهای آسیای مرکزی و نقش مؤثر این کشور در ایجاد صلح در تاجیکستان، هنوز برخی تردیدها در مورد منش دولت ایران وجود دارد. به نظر می‌رسد ایجاد اصلاحاتی در سیستم سیاسی می‌تواند پیش‌نیاز موقعیت ایران در رقابت با روسیه در منطقه باشد. در صورتی که طرح‌های آزادی اقتصادی و اجتماعی دولت آقای محمد خاتمی ادامه یابد، این کشور در آستانه اصلاح سیستم اقتصادی و سیاسی قرار خواهد گرفت».

وجیهه صادق‌ان‌خوری

